

شاخص‌ها و نماگرهای تأمین معاش در پیشرفت انسانی اسلامی

محمد جمال خلیلیان اشکذری / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ m_khalil411@yahoo.com
 محمد بیدار / دانش پژوه دکتری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ bidar.mohamad@yahoo.com
 دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۰۷ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۲۰

چکیده

یکی از شاخص‌های توسعه انسانی متعارف، درآمد سرانه واقعی است. در این مقاله به بررسی دیدگاه اسلام در مورد این شاخص و معرفی شاخص تأمین معاش در پیشرفت انسانی می‌پردازیم. تحقیق حاضر با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی این سوال می‌پردازد که با چه شاخص‌ها و نماگرهایی می‌توان به ارزیابی تأمین معاش در مسیر پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام پرداخت؟ بنا به فرضیه تحقیق، شاخص‌های تأمین حد کفاف، توزیع عادلانه و متوازن درآمد و کارآمدی مخارج با نماگرهای مربوطه می‌توانند برای سنجش تأمین معاش در رویکرد اسلامی بکار روند. بنا بر یافته‌های پژوهش، شاخص‌های پیشنهادی به ترتیب درآمد مکفی-حلال برای تأمین نیازهای مادی و روحی، توزیع عادلانه و متوازن منابع و درآمدها در راستای تأمین معاش خانوارها و تخصیص بهینه درآمدها را مورد سنجش قرار می‌دهند. شاخص‌های سه گانه مزبور را می‌توان به آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) مستند نمود. محاسبه این شاخص‌ها نیازمند استفاده از روش‌های آماری از جمله بکارگیری پرسشنامه علمی جهت استخراج اطلاعات مورد نیاز در کنار داده‌های آماری موجود است.

کلیدواژه‌ها: تأمین معاش، توسعه انسانی، پیشرفت انسانی، شاخص، عدالت، کارایی

طبقه‌بندی JEL: D۱۰، D۱۱، D۶۱، P۴.

مقدمه

استفاده بهینه از سرمایه انسانی جامعه شرط اساسی مهمی در پیمودن مسیر توسعه و پیشرفت هر کشور می‌باشد. برای دستیابی به این هدف باید فکر و ذهن افراد جامعه از دغدغه تأمین معاش و مشکلات ناشی از آن آزاد باشد، تا استعدادها شکوفا گردیده و تلاش افراد برای کارآفرینی همراه با ابتکار و نوآوری مفید و مؤثر واقع شود. از این رو، اسلام بر تأمین شرافتمندانه معاش برای هر یک از افراد جامعه تأکید نموده و تلاش برای کسب روزی حلال برای تأمین معیشت را واجب می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱). چنین تلاشی مایه عزت و شخصیت فردی و اجتماعی است (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۲، ص ۲۹۶). فردی که با کسب و کار، به دنبال اداره آبرومندانه خانواده‌اش باشد؛ به پاداشی بالاتر از مجاهد در راه خدا دست می‌یابد (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۹، ص ۵۶۷).

از نظر اسلام، تلاش برای رفع نیاز خود و جامعه نه تنها وظیفه‌ای خطیر است؛ بلکه موجب مصونیت شخص در پیشگاه الهی و یکی از شرایط مهم پیمودن مسیر پیشرفت و تکامل انسانی برای یک مسلمان محسوب می‌شود. بر اساس آموزه‌های اسلام خداوند متعال از فرد پرخواب و بیکار به شدت متنفر است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۵۸). کسی که در امور دنیایی‌اش کسل و بی‌حال باشد، مبعوض اولیای دین و پیشوایان معصوم^ع معرفی شده است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۸۵).

در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی به بررسی شاخص‌ها و نماگرهای تأمین معاش در راستای دستیابی به پیشرفت اسلامی می‌پردازیم. هرچند در این زمینه مطالعات پراکنده‌ای صورت گرفته، مزیت این پژوهش تمرکز بر شاخص تأمین معاش و توجه به ابعاد مختلف آن است. این شاخص متناظر با شاخص درآمد سرانه در شاخص توسعه انسانی است. شاخص پیشنهادی بخشی از شاخص پیشرفت انسانی در رویکرد اسلامی می‌باشد؛ شاخص‌های دیگر، به معیارهای دین داری، علم و معرفت و کرامت و آزادگی در پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام مربوط است (ر.ک: خلیلیان و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷-۱۰۱).

پیشینه تحقیق

در زمینه توسعه انسانی مقالات و کتاب‌های فراوانی منتشر شده که می‌تواند به‌عنوان پیشینه عام برای تحقیق حاضر قلمداد شود ولی در خصوص موضوع این مقاله سابقه‌ای مشاهده نشد؛ اما دو کتاب معیارها و شاخص‌های پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام از محمد جمال خلیلیان و همکاران و چپستی پیشرفت از دیدگاه اسلام از سید عبد الحمید ثابت و همکاران را می‌توان به‌عنوان پیشینه خاص آن

محسوب کرد. با این وجود، مباحث این مقاله بر یکی از جنبه های پیشرفت انسانی یعنی تأمین معاش متمرکز است و شاخص های استنباط شده تا حد زیادی متمایز از مآخذ اول بوده و با منطقی دیگر تبیین شده است و موضوع اصلی مقاله همان طور که از عنوان آن پیداست، چستی پیشرفت نمی باشد.

پیشرفت انسانی

دو واژه توسعه و پیشرفت غالباً به صورت مترادف و به معنای رشد، تغییر، گسترش تدریجی، تکامل و شکوفایی به کار می روند (عمید، ۱۳۴۳، ص ۴۲۸). چون اصطلاح توسعه، در اقتصاد متعارف دارای بار ارزشی خاصی می باشد، در این تحقیق از واژه پیشرفت استفاده می کنیم. پیشرفت علاوه بر این که فاقد بار معنایی توسعه غربی است؛ ابعاد توسعه اسلامی را نیز مورد توجه قرار می دهد. در همین راستا، پیشرفت انسانی مورد نظر اسلام نیز به عنوان مفهومی متمایز از توسعه انسانی متعارف تعریف می شود. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای در یکی از بیانات خود، پیشرفت را چنین تعریف می کند: «پیشرفت همان رسیدن به حیات طیبه یعنی زندگی گوارا همراه با آسایش و آرامش و در کل سعادت دنیا و عقبی است» (خامنه ای، ۱۳۸۴). در این تعریف، حیات طیبه، یا زندگی پاکیزه، به عنوان مقصد پیشرفت معرفی شده است.

در الگوی اسلامی پیشرفت انسانی، تمامی عرصه های فردی - اجتماعی، مادی - معنوی و دنیوی - اخروی مورد توجه قرار می گیرد. از این رو، پیشرفت انسانی مورد نظر اسلام، «فرآیندی هدایت شده بر اساس بینش توحیدی است که تغییرات ساختاری در رفتارهای فردی و اجتماعی انسان ایجاد می کند تا به صورتی پویا و فعال به سمت جامعه ای با حیات طیبه حرکت کند».

تعریف پیشنهادی، ضمن همخوانی و هماهنگی با بیان مقام معظم رهبری، معیارهای چهارگانه پیشرفت انسان، یعنی دین داری، علم و معرفت، تأمین معاش و کرامت و آزادگی را نیز در بر دارد. معیار دین داری ما را به فرآیند هدایت شده بر اساس بینش توحیدی رهنمون می سازد. تلاش برای تأمین معاش تنها در صورتی انسان را در این فرآیند قرار می دهد که همراه با تغییرات ساختاری در رفتارهای فردی و اجتماعی، و در مسیر خود سازی و تهذیب نفس باشد. معیارهای علم، معرفت، کرامت و آزادگی، انسان را ملزم به حرکتی پویا و فعال در مسیر دستیابی به حیات طیبه می سازد.

سنجش و ارزیابی میزان پیشرفت انسانی جامعه اسلامی بر اساس تعریف مذکور، نیازمند توجه به مؤلفه های چهارگانه آن است. در این مقاله، تنها شاخص های مربوط به تأمین معاش به عنوان یکی از معیارهای پیشرفت انسانی اسلامی مورد بررسی قرار می گیرد.

روش‌شناسی تحقیق

استخراج شاخص‌ها و نماگرهای تأمین معاش، نیازمند استفاده از روش متناسب است. در این تحقیق شاخص‌های مزبور، با مراجعه و استنباط از منابع دینی (آیات قرآن کریم و سخنان پیشوایان معصوم^{علیهم‌السلام}) می‌باشد و نماگرها غالباً به شیوه استقرایی و با توجه به سیره عملی عقلاً استخراج می‌شوند. هرچند در این تحقیق تلاش زیادی برای استخراج شاخص‌ها و نماگرهای مربوطه صورت گرفته، ولی ادعایی بر حصر عقلی در موارد مذکور نیست.

در این تحقیق، مراد از معیار، ملاک و ضوابط و مراد از شاخص راهنمای آماری است، که تغییرات یک متغیر را نسبت به زمان پایه نشان می‌دهد (نیک‌گهر، ۱۳۶۹، ص ۲۱). منظور از نماگر نیز متغییری کمی است که به صورت منفرد یا با استفاده از نسبت‌های ریاضی، برای سنجش موقعیت و تغییرات یک پدیده طی زمان استفاده می‌شود (صباغی، ۱۳۹۱، ص ۱۰). بر این اساس، این مقاله بدنبال تبیین معیار تأمین معاش به عنوان یکی از ملاک‌ها و ضوابط پیشرفت اسلامی است. شاخص‌ها نیز نماگرهای یکپارچه و کمی هستند که با توجه به جامعیت و کلیتشان وضعیت زیربخش‌ها را مورد ارزیابی و اندازه‌گیری قرار می‌دهند و می‌توانند میزان تحقق معیار مزبور را اندازه‌گیری نمایند. نماگرها مؤلفه‌های جزئی و علامت‌های نشان‌دهنده میزان تحقق هر شاخص می‌باشند که هر کدام از زاویه‌ای به بررسی بخشی از میزان تحقق شاخص می‌پردازند. بیان نماگرها در حقیقت خارج از رسالت اصلی این تحقیق است و متخصصین در آمار می‌توانند نماگرهای دقیق‌تری برای محاسبه شاخص‌های تأمین معاش بیان کنند. از این رو، ذکر نماگرها در این تحقیق صرفاً نقش راهنمایی دارد.

نماگرهای پیشنهادی در این تحقیق به دو گروه ایجابی و سلبی تقسیم می‌شوند. به منظور اجتناب از اشتباه محاسباتی، نتایج نماگرهای سلبی، پس از کسر و منهای شدن از عدد یک، به صورت نماگر ایجابی در می‌آیند.

مبانی تأمین معاش در رویکرد اسلامی

در رویکرد اسلامی، تأمین معاش افراد جامعه اسلامی با هدف رفع نیازهای آن‌ها و دستیابی به رفاه نسبی صورت می‌گیرد. قرآن کریم در زمینه استفاده از نعمت‌های الهی و رسیدن به رفاه نسبی می‌فرماید: چه کسی روزی‌های پاکیزه و زیور و زینت الهی را بر بندگان حرام کرده است (اعراف: ۳۲). بر اساس این آیه، افراد صالح و با ایمان، نه تنها نباید خود را از نعمت‌های الهی محروم کنند، بلکه آن‌ها در استفاده از مواهب و امکانات الهی، شایستگی بیشتری دارند.

پیامبر اکرم ﷺ در باره استفاده از نعمت‌های الهی می‌فرماید: «خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد. هم چنین دوست دارد اثر نعمتش را در زندگی بنده‌اش ببیند» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۳). امام صادق ﷺ نیز در این باره می‌فرماید: زمانی که نعمت‌ها وفور یافت و دنیا به انسان روی آورد، بندگان صالح و شایسته و افراد با ایمان و مسلمان به استفاده از آن مواهب و امکانات سزاوارترند، نه بدکرداران، منافقان و کافران (مجلسی، ۴۰۳، ج ۴۷، ص ۲۳۲).

از آیات و روایات استفاده می‌شود که خداوند دوست دارد بشر با بهره‌مندی از نعمت‌ها بر درجات ایمان و معرفتش بیفزاید و با دیدن مناظر زیبای طبیعت، لذت برده و از آنها بهره‌مند گردد، نه اینکه خود را محروم ساخته و چنین محرومیتی را مطلوب بداند. اسلام علاوه بر توسعه کمی و افزایش امکانات، بر بهبود کیفی زندگی نیز تأکید دارد و زیبایی و آراستگی را از نیازهای بشر دانسته که باید اشباع گردد. از نظر اسلام، آسانتر ساختن امور زندگی و صرفه‌جویی در نیروی بدنی و زمان نه تنها نكوهیده نیست، بلکه قابل تمجید و ستایش است؛ به‌ویژه زمانی که هدف از بهره‌مندی بیشتر از نعمت‌ها، دستیابی به فرصت بیشتر برای فراگرفتن معارف الهی و رسیدگی به تهذیب خویش و تربیت دیگران و عبادت خدا باشد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸-۱۲۷).

تأمین رفاه، رابطه مشخصی با پیشرفت انسانی دارد. دنیا و حیات مادی لازمه جدایی‌ناپذیر سیر وجودی انسان می‌باشد. اما هدف نهایی از زندگی در این دنیا، پیمودن سیر تکاملی انسان و پیشرفت معنوی اوست و لوازم مادی، جنبه ابزاری دارند. به همین علت اگر ابزار کار، مهیا و رفاه نسبی تأمین باشد و زمان و نیروی کمتری برای کسب آن صرف شود، افراد، بهتر می‌توانند به بعد معنوی خود و تکامل آن بپردازند. مؤید این مطلب سخنی از پیامبر اکرم ﷺ است که می‌فرماید: بی‌نیازی یاور و پشتیبان خوبی برای تقوای الهی می‌باشد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۵۶).

با تأمین نیازهای اساسی انسان و رفاه نسبی او، نیروی فکر و جسم فرد صرف پیشرفت در زمینه‌های علم، عمل و امور معنوی می‌شود. بر این اساس، گشایش و رفاه در زندگی مادی برای نیل به سعادت و کمال روحی و معنوی در حد اعتدال لازم است؛ چراکه اغلب افراد، همانطور که کمبود و فقر در معیشت و عدم دسترسی به حداقل زندگی باعث دور شدن آنها از هدف اصلی خلقت می‌شود (ذاریات: ۵۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳۹)؛ رفاه و گشایش بیش از حد نیز آنها را به وادی غفلت و طغیان می‌کشاند (شوری: ۲۷).

از نظر اسلام، حیات دنیوی و رفاه، زمانی مطلوب و معقول است که برای تأمین سعادت اخروی و کسب رضایت حق تعالی باشد؛ اما هدف قرار گرفتن رفاه و آسایش و لذت‌های مادی در دنیا مانع رشد و تعالی کمالات انسانی و موجب فساد و تباهی او می‌گردد (یونس: ۷-۸). با هدف قرار گرفتن رفاه و

لذت‌های مادی، انسان به تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی روی می‌آورد. یکی از آثار تجمل‌پرستی و رفاه‌زدگی پیدایش روحیه خودبزرگ‌بینی و برتری‌طلبی در شخص است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹). قرآن کریم بهره‌مندی از نعمت‌ها و مقامات اخروی را مخصوص کسانی می‌داند که در دنیا برتری‌طلبی و اراده فساد نداشته باشند (قصص: ۸۳).

تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی، که به طور معمول همراه با اسراف و زیاده‌روی می‌باشد، زبان‌های اجتماعی فراوانی نیز دارد. ولخرجی و عیاشی تعدادی اندک، توأم با بی‌اعتنایی به وضع دیگران، موجب محرومیت عده کثیری از افراد جامعه می‌گردد. حضرت علی^{علیه السلام} در این زمینه می‌فرماید: «هیچ فقیری گرسنه نمی‌ماند، مگر به جهت تمتع (زیاد از حد) ثروتمندان» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۴۰). در رویکرد اسلامی، تأمین معاش، تنها با تأمین غذا، پوشاک و مسکن حاصل نمی‌شود؛ بلکه رفع نیازهای مادی چنانچه با سلامت جسم و روح انسان همراه باشد، زمینه رشد مادی و معنوی او را فراهم می‌سازد. چرا که انسان مریض نه تنها نمی‌تواند ابداع، نوآوری و خلاقیت داشته باشد، بلکه در تصمیم‌گیری برای گذران زندگی عادی نیز با مشکل مواجه می‌گردد. بنابراین، تأمین بهداشت فردی و اجتماعی، امری ضروری بوده و نقشی تعیین‌کننده در پیشرفت جامعه دارد. هر فرد باید ضمن رعایت نکات ایمنی و دستورات بهداشتی، زمینه تقویت سلامت اجتماعی را نیز فراهم آورد. دولت اسلامی نیز موظف است محیط زیست افراد جامعه را از هر گونه آلودگی به دور نگه داشته و زمینه‌های سلامت جسم و روح آن‌ها را فراهم سازد.

دین مبین اسلام بر اهمیت سلامتی انسان تأکید کرده است. پیامبر گرامی اسلام^{صلی الله علیه و آله} سلامتی را در زمره یکی از دو نعمتی برشمرده‌اند که قدر و ارزش آن ناشناخته است (فتال نیشابوری، ج ۲، ص ۴۷۲). پیشوایان معصوم^{علیهم السلام} در موارد متعددی به قدرشناسی بدن سالم و استفاده صحیح از آن سفارش کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۵۲۶).

افراد برخوردار از حد نصاب سلامت، از توانایی لازم برای انجام مسئولیت‌ها و وظایف فردی و اجتماعی برخوردار بوده و با آسودگی خاطر به زندگی خود ادامه می‌دهند. از این‌رو، افراد از کارافتاده، افراد دارای نقص عضو و یا دارای بیماری‌های صعب‌العلاج و همچنین معتادانی که نتوانند اشتغال مناسبی داشته باشند، از سلامت برخوردار نیستند.

یکی از نکات مهمی که توسعه انسانی متعارف را از پیشرفت انسانی مورد نظر اسلام متمایز می‌سازد، تأکید اسلام بر سلامت روح و روان انسان است. گرچه علم روز نیز بر مصون داشتن روان انسان از افسردگی، پریشانی، اضطراب و نگرانی تأکید دارد؛ اما اسلام علاوه بر این موارد که لازمه آرامش روح و روان است، بر سلامت روح انسان از رذائل اخلاقی چون کینه، حسد، حرص، طمع،

رفاه‌زدگی، اتراف، اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی نیز تأکید دارد؛ چرا که اسلام زندگی گوارا و حیات طیبه انسان را تنها در سایه پاک شدن افراد جامعه اسلامی از رذائل اخلاقی و آراسته شدن آنان به فضائل اخلاقی می‌داند. بنابراین تأمین نیازهای جسم و روح انسان از راه رفع نیازهای مادی و فراهم آوردن محیطی سالم برای زندگی؛ شرط لازم برای دستیابی به حیات طیبه انسانی است؛ ولی شرط کافی نیست. چرا که از دیدگاه قرآن، دل‌ها تنها با یاد خدا آرام می‌گیرد (رعد: ۲۸) و یاد خدا اکسیری است که همه زنگارهای روح و رذائل اخلاقی را شستشو داده و او را در مسیر بندگی حق تعالی قرار می‌دهد و زمینه‌ی رشد و پیشرفت شایسته انسان را برای او فراهم می‌سازد (یس: ۶۱).

آرامشی که بشر امروز به دنبال آن است تنها با فراهم آوردن محیط آرام و رفع عوامل مادی اضطراب، یا با داروهای آرامش بخش به دست نمی‌آید؛ زیرا این‌ها برای مقابله با عوامل بیرونی و مادی برهم زنده آرامش اوست؛ انسان تنها با تصحیح عقیده و اخلاق به آرامش درونی و اطمینان خاطر دست می‌یابد انسانی که از نظر فطری طالب کمالات و فضائل بی‌نهایت است، تنها در سایه معرفت الهی و انس با حق تعالی و اطاعت و بندگی او به آرامش رسیده و با اعتماد و توکل بر قدرت لایزال الهی از هیچ چیز ترس و واهمه نداشته و به آینده‌ای روشن و سعادت آفرین امیدوار است.

شاخص‌های تأمین معاش

بر اساس آموزه‌های اسلامی، هر فرد برای تأمین معاش مطلوب، باید هزینه‌های لازم برای حفظ سلامت جسم و روح خود را دارا بوده، بهره‌مندی‌ها به شکلی عادلانه توزیع شود، و منابع به شکل کارآمدی به مصرف رسند. از این‌رو، تأمین معیشت افراد در جامعه اسلامی مشروط به سه امر است. اول، افراد از ثروت و درآمد حلال کافی جهت تأمین نیازها برخوردار باشند. دوم، درآمد و ثروت مزبور به صورت عادلانه بین افراد توزیع شود. سوم، درآمدها به درستی و با روشی عقلایی مصرف شود. از این‌رو، درآمد مکفی حلال، توازن و همسنگی در سطح زندگی و بهیئگی مصرف، شاخص‌های تأمین معاش در رویکرد اسلامی را تشکیل می‌دهند.

توجه به عدالت توزیعی و بهیئگی مصرف بدین خاطر است که تأمین معاش در اقتصاد اسلامی مقوله‌ای اجتماعی است که در آن علاوه بر توجه به ابعاد فردی زندگی انسان، ابعاد اجتماعی آن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، رویکرد فردی - اجتماعی شاخص پیشرفت انسانی (و به تبع آن شاخص تأمین معاش) اقتضا می‌کند که شاخصه‌ها و نماگرهای این شاخص، هم ماهیت فردی و هم ماهیت اجتماعی داشته باشند. هر فرد برای تأمین معاش یا باید خودش از درآمد در حد کفاف برخوردار باشد و یا اگر به هر علتی محروم و نیازمند بود، افراد متمکن یا دولت اسلامی با ایجاد سطح مطلوبی از تکافل اجتماعی به

وظیفه خود در این زمینه عمل نمایند. در هر صورت، هر فرد باید دارای تدبیر معیشت باشد تا بتواند با رعایت اعتدال از درآمد و امکانات خود به صورت بهینه استفاده نماید.

تأمین معاش مطلوب، همان‌گونه که بیان شد، تنها با داشتن خوراک، پوشاک و سرپناه مناسب حاصل نمی‌شود. شرط اساسی و لازم برای داشتن یک زندگی همراه با آرامش و آسایش، تأمین بهداشت و سلامت فرد و جامعه نیز می‌باشد. تأمین بهداشت و سلامت از ارکان اساسی تأمین معاش مطلوب است؛ نه این‌که به صورت امری مستقل و منفک از تأمین معاش در نظر گرفته شود. بنابراین درآمد یک فرد در صورتی در حد کفاف است که علاوه بر تأمین نیازهای مادی، هزینه‌های بهداشت و سلامت جسمی و روحی خود و خانواده اش را نیز پوشش دهد.

با توجه به مؤلفه‌های سه‌گانه مورد اشاره، تأمین معاش افراد جامعه را می‌توان با استفاده از شاخص‌های حدکفاف، توازن و هم‌سنگی در سطح زندگی (با توزیع عادلانه و رعایت تکافل اجتماعی) و بهیئگی در مصرف (با داشتن تدبیر معیشت)، سنجید. در این تحقیق، هرکدام از شاخص‌های سه‌گانه تأمین معاش همراه با نماگرهای مربوطه به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.



الف. درآمد مکفی حلال (حدکفاف)

اولین شاخص سنجش و ارزیابی سطح تأمین معاش از نظر اسلام، رسیدن به حد کفاف حلال (درآمد مکفی حلال) است. دین اسلام بر خورداری از درآمد مکفی حلال را یکی از لوازم پیمودن مسیر تکامل برای انسان دانسته و سرپرستان خانواده را بر انجام فعالیت‌های درآمدزا تشویق می‌نماید. روشن است که هر فرد تا زمانی که از جهت تأمین معاش، آرامش خاطر نداشته باشد، فکر او برای رشد علمی و ابداع و تعالی معنوی آزاد نخواهد بود. علاوه بر این‌که، اگر فرد در مضیقه و تنگنای مالی قرار گیرد و نتواند نیازهای حیاتی خود و خانواده‌اش را تأمین نماید، ممکن است از راه مستقیم خارج گردیده (روم: ۱۰)، مسیر گناه و نافرمانی الهی را پیموده و راه‌های غیرمشروع را در پیش گیرد. در نتیجه وی نه تنها به خود ضربه می‌زند، بلکه مانع پیشرفت و ترقی مادی و معنوی سایر افراد جامعه نیز می‌شود و ناخودآگاه به صورت عاملی برای افزایش تخلفات و ناهنجاری‌ها در می‌آید.

درآمد مکفی حلال، درآمدی است که بتواند نیازهای اساسی فرد و خانواده‌اش را تأمین نموده و آن‌ها را از رفاه نسبی برخوردار نماید. مصارف مزبور محدود و مقید به دو مرز اقتار و اسراف است. فاصله بین این دو مقدار که در قرآن کریم از آن به حالت «قوام» تعبیر گردیده است.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، شرط اساسی برای درآمد مطلوب، مشروع و حلال بودن و رسیدن آن به سطح درآمد مکفی است. حضرت علی علیه السلام در نامه خود به فرزند بزرگوارش امام حسن مجتبی علیه السلام بر کسب درآمد حلال و پاکیزه، تأکید نموده؛ تلاش برای به دست آوردن درآمد مکفی را لازم و ضروری می‌داند؛ و تذکر می‌دهند که آنچه از رزق و روزی، مقرر است به تو می‌رسد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۲۲۸).

درآمد حد کفاف، درآمدی است که نیازهای اولیه یک خانواده را از لحاظ خوراک، پوشاک، مسکن، تحصیل و درمان تأمین نماید. به بیان دیگر، حد کفاف میزان درآمدی است که هزینه‌های مربوط به نیازهای مادی و معنوی انسان را کفایت نموده و سلامت جسم و روح و روان او را بدنبال داشته باشد. کسانی که دارای درآمد یا مصرف کم‌تر از حد کفاف باشند، فقیر و نیازمند تلقی می‌شوند و باید از بیت‌المال به آنان کمک نمود. از این‌رو، درآمد یا مصرف در حد کفاف هنگامی است که مصارف یادشده از حد متوسط جامعه بیشتر شود و امکانات مصرفی شخص به درجه‌ای برسد که تأمین‌کننده رفاه نسبی فرد بوده و مصرف بیش‌تر از آن از نظر جامعه افراط و زیاده‌روی تلقی شود.

باید توجه داشت که داشتن درآمد مکفی حلال به معنای این نیست که بهره‌مندی از درآمد بالاتر نامطلوب است. درآمد حد کفاف به مجموع ثروت و درآمدی اطلاق می‌گردد که نیازهای جسمی (خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و سلامت) و روحی (نیازهای تربیتی، فرهنگی و تفریحی) تمامی اعضای یک خانوار را در حد جایگاه و شأن اجتماعی آنان تأمین نماید. چنین درآمدی بی‌انگتر حد کفاف می‌باشد. از دیدگاه اسلامی، داشتن درآمدهای بالاتر از حد کفاف در صورت رعایت دو شرط مشروع بودن و پرداخت حقوق واجب مالی آن، ممنوعیتی ندارد.

نماگرهای درآمد مکفی حلال

جهت سنجش میزان درآمد مکفی حلال می‌توان از نماگرهای درجه دوم زیر استفاده نمود.

میزان افراد زیر خط فقر مطلق؛

نسبت افراد شاغل در کسب حلال به کل شاغلین؛

درصد افراد بدهکار جامعه برای رسیدن به سطح متوسط زندگی؛

میزان تخلفات مالی ثبت شده در مدت معین (سلبی)؛

درصد رواج رشوه و رباخواری در جامعه (سلبی)؛

درصد افراد رعایت‌کننده زمان و کیفیت کار (دارای وجدان کاری).

میزان برخورداری افراد جامعه از فرصت‌ها و امکانات تفریحی سالم (امکان سفر، دسترسی به پارک، فضای سبز و...)

درصد افراد با درآمد مکفی، قادر بر ایجاد گشایش در زندگی و تأمین امکانات رفاهی؛

شایان ذکر است سه نماگر اول تا سوم برای سنجش درآمد مکفی و سه نماگر بعدی برای ارزیابی درآمد

حلال و دو نماگر اخیر برای ارزیابی میزان رفاه افراد جامعه (با درآمد مکفی) مطرح گردیده است.

ب. توازن و هم سطحی در سطح زندگی

یکی دیگر از شاخص‌های معیار تأمین معاش، توازن و هم سطحی در سطح زندگی است که با توزیع عادلانه درآمد و برقراری تکافل اجتماعی حاصل می‌شود. توضیح آن‌که؛ افراد جامعه از جهت تأمین معیشت به سه دسته تقسیم می‌شوند: گروه اول، کسانی هستند که می‌توانند از طریق کار و فعالیت اقتصادی، نیازهای خود را برطرف سازند. دسته دوم، کسانی هستند که قادرند تنها بخشی از نیازهای خود را برآورند. گروه سوم نیز افرادی هستند که به علت نداشتن توان لازم (به سبب نقص عضو، فلج، امراض صعب‌العلاج، پیری و از کارافتادگی، خردسالی و نداشتن سرپرست) یا نبودن زمینه کار و فعالیت، قادر به تأمین نیازهای خود نیستند.

رفع نیازهای حیاتی و اساسی افراد جامعه، هدفی است که نظام اقتصاد اسلامی بر اهمیت و ضرورت آن تأکید دارد و در صورتی که افراد، خود نتوانند نیازهای مذکور را تأمین کنند، دستیابی به این هدف یکی از وظائف متممکنان جامعه و دولت اسلامی می‌باشد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: تازمانی که انسان به مرحله بی‌نیازی برسد، می‌توان به او زکات پرداخت (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۸۰).

رفع فقر و محرومیت از جامعه اسلامی و رسیدن افراد به حدّ بی‌نیازی برای افراد متممکن و دولت اسلامی ایجاد مسؤلیت می‌کند (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توجه ثروتمندان به رفع نیازهای حیاتی و اساسی افراد جامعه را لازمه ایمان به خدا و معاد دانسته و می‌فرماید: «کسی که شبانگهان سیر به بستر رود و همسایه او گرسنه باشد، به خدا و روز قیامت ایمان ندارد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۵۳). امام علی علیه السلام درباره مسؤلیت ثروتمندان در مقابل نیازهای غذایی فقیران و علت وجود فقر در جامعه می‌فرماید:

همانا خداوند، تأمین غذای مورد نیاز فقیران و محرومان را در اموال ثروتمندان قرار داده است و

هیچ فقیری در حال گرسنگی باقی نماند، مگر به واسطه کامیابی توانگران و خداوند متعال آنان را به سبب چنین رفتاری مورد بازخواست قرار می دهد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳، ص ۲۲).

از این رو اسلام تلاش برای رفع نیازهای اساسی و حیاتی جامعه را بر همگان واجب قرار داده و تا زمانی که این گونه نیازها رفع نشده، تکلیف مذکور بر همه کسانی که توان دارند، باقی است.

یکی از حکمت های مهم وضع مالیات های اسلامی مانند زکات و خمس و همین طور تشویق بسیار قرآن کریم و روایات به انفاق در راه خدا، رفع فقر و محرومیت از جامعه و در جهت تأمین نیازهای حیاتی و ضروری نیازمندان است. یک مؤمن، با انفاق در راه خدا نشان می دهد که همه چیز را برای خود نمی خواهد و مستمندان و بینوایان را در اموالش شریک دانسته، با تقوا و اعتقاد سالم، راه هدایت و رستگاری خود را در انفاق (بقره: ۳-۵) و حرکت در جهت توزیع صحیح و عادلانه درآمدها و بهبود شرایط اقتصادی دیگران می جوید.

دولت اسلامی نیز در مورد تأمین نیاز فقرا مسئول است. دولت اسلامی موظف است با استفاده از منابعی که در اختیار دارد، زمینه های اشتغال مناسب نیازمندان را فراهم نموده یا از طریق کمک های بلاعوض معیشت آن ها را در سطحی متناسب با شأن و منزلتشان تأمین نماید. به بیان دیگر، دولت این مسئولیت را با اقدامی دو مرحله ای انجام می دهد. دولت در وهله اول، با در اختیار قرار دادن ابزار کار و ایجاد فرصت مناسب، امکان مشارکت افراد را در فعالیت های اقتصادی مفید و مؤثر فراهم سازد؛ تا آنان بتوانند با کار و کوشش، زندگی خود را اداره کنند. اگر به عللی دولت قادر به ایجاد فرصت های شغلی و زمینه فعالیت اقتصادی برای افراد نبود، موظف است، در مرحله دوم، امکانات لازم برای گذران حدّ متعارف زندگی و تأمین نیازها را در اختیار افراد بیکار قرار دهد (صدر، ۱۳۹۹ق، ص ۶۶۱).

در نظریه اسلامی تأمین اجتماعی نیازمندان و از کارافتادگان، بر دو اصل کفالت همگانی و سهم بری همگان از ثروت های طبیعی استوار است. کفالت همگانی به معنای مسئولیت افراد جامعه اسلامی برای تأمین نیازهای حیاتی یکدیگر، بر اساس اخوت اسلامی است. در صورت کوتاهی افراد در این زمینه، دولت اسلامی می تواند افراد را به انجام آن ملزم سازد. سهم بری همگان از ثروت های طبیعی نیز به معنای سهم بودن افراد جامعه در منابع و ثروت های طبیعی در اختیار حاکم می باشد. اصل کفالت همگانی حاکی از لزوم تأمین نیازهای ضروری و حیاتی افراد است. اصل سهم بری همگان از ثروت های طبیعی، فراتر از مقتضای اصل اول می رود و تضمین کننده ایجاد رفاه نسبی، که بالاتر از سطح قبلی است، می باشد (همان، ص ۶۶۴-۶۶۱).

امام باقر^ع در روایتی از قول پیامبر اکرم^ص می فرماید: «من [در جایگاه مقام امامت] سرپرست یتیمان

هستم و سرپرستی افراد خردسال و بدهکار آنان را بر عهده دارم و هر کس اموالی را بر جای گذارد، برای خویشانش است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۹۲). در بعضی از کتب روایی آمده است که امام باقر^ع سپس افزود: «کفالت پیامبر اکرم^ص برای آنان، در حال حیات و بعد از مرگ، تفاوتی ندارد» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۱۱). ذیل روایت اخیر حاکی از آن است که مسؤولیت کفالت بی‌سرپرستان [و از کارافتادگان و مستمندان] بعد از رحلت حضرت بر عهده جانشینان معصوم و حاکمان اسلامی در هر عصر و زمان است. امام موسی کاظم^ع نیز در همین زمینه می‌فرماید:

کارگزار حکومت اسلامی، مالی که خداوند در اختیار او قرار داده است، در هشت سهم برای فقیران و مسکینان ... به اندازه نیاز سالیانه شان تقسیم می‌کند؛ به گونه‌ای که در سختی و تنگنا نباشند و مازاد بر آن به حاکم اسلامی برمی‌گردد؛ اما اگر درآمدهای زکات برای تأمین هزینه‌ها کفایت نکند، حاکم اسلامی باید از ثروت‌ها و اموالی که در اختیار دارد، به میزان رفع نیاز فقیران و محرومان جامعه، در اختیار آنان قرار دهد (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۴۱).

از اطلاق عبارت «مِنْ عِنْدِهِ» در روایت بالا استفاده می‌شود که افزون بر زکات، بقیه ثروت‌های بیت‌المال (مانند قیء که در اختیار پیامبر، امام یا ولیّ امر در جایگاه رئیس دولت اسلامی قرار می‌گیرد و همچنین معادن که در اختیار حکومت اسلامی است) را نیز می‌توان برای رفع فقر و محرومیت افراد نیازمند، مورد استفاده قرار داد (صدر، ۱۳۹۹ق، ص ۶۸۰ - ۶۸۱). هر کس حق دارد با بهره‌مند شدن از ثروت‌های طبیعی، زندگی خوبی داشته باشد. در این راستا، دولت موظف است، فرصت کار را برای همه فراهم سازد و برای افراد ناتوان و یا فاقد زمینه اشتغال، امکان بهره‌مندی از ثروت‌های طبیعی و درآمدهای عمومی بیت‌المال را تا حد رفاه نسبی و زندگی آبرومندانه فراهم سازد (همان). از این‌رو، مالیات‌های اسلامی و ثروت‌هایی که اداره امور آن‌ها به عهده دولت اسلامی است را می‌توان برای تأمین معیشت محرومان و درماندگان صرف کرد.

نظام اسلامی خواهان پیشرفت مادی و معنوی همه افراد جامعه و تأمین عزّت، استقلال و اقتدار کشور اسلامی می‌باشد. همه افراد جامعه باید در این فرآیند مشارکت داشته و متناسب با استعداد، علاقه و توان خود برای دستیابی به اهداف مذکور ایفای نقش نمایند. به این منظور باید زمینه فعالیت مفید و مؤثر برای همگان فراهم گشته و موانع آن رفع گردد. از آن‌جا که برخی افراد به خاطر مشکلات بدنی از بدو تولد، حوادث غیر مترقبه، پیری و از کار افتادگی یا از دست دادن سرپرست خانواده برای تأمین معیشت خود دچار مشکل می‌گردند؛ چنانچه تدبیری برای رفع مشکلات آن دسته و نزدیک کردن سطوح زندگی افراد اتخاذ نگردد، جامعه دچار اختلاف فاحش طبقاتی و بدنبال آن ناهنجاریهای اقتصادی و اجتماعی گردیده و نظام اسلامی از رسیدن به هدف مهم عدالت اجتماعی باز می‌ماند. بنابراین، وجود تکافل و تأمین اجتماعی

در جامعه اسلامی امری ضروری است. بر این اساس، هیچ گروهی نباید در مسیر رشد و ترقی مادی و معنوی خود دچار مشکل گردد. افراد نه تنها نباید سربار جامعه باشند؛ بلکه باید مطابق با تلاش و شأن و شخصیت اجتماعی خودشان مفید بوده و از زندگی آبرومندانه‌ای برخوردار باشند.

نماگرهای توازن و هم سطحی در سطح زندگی

برای سنجش میزان اهتمام دولت و متمکنین در راستای برقراری توازن و هم سطحی در سطح زندگی، نماگرهای زیر شامل دو دسته نماگر در سطح خرد (رابطه افراد با یکدیگر) و کلان (مسئولیت دولت) قابل معرفی است:

میزان انقاقات افراد جامعه به فقرا یا نهادهای خیریه در یک دوره معین؛

میزان قرض الحسنه اعطایی جهت حل مشکلات خانواده‌ها در دوره معین؛

درصد سرپرستی داوطلبانه از ایتم در دوره معین؛

نسبت سطح تأمین اجتماعی موجود به سطح مورد نیاز؛

سرانه پرداخت یارانه به نیازمندان در دوره معین؛

میزان مراکز نگهداری از سالمندان و معلولین نسبت به میزان مورد نیاز؛ و

میزان کمک‌های مردمی در حوادث غیر مترقبه.

سه نماگر اول، عمدتاً به سطح خرد و عملکرد افراد و نماگرهای بعدی به عملکرد دولت‌ها مربوط است. برای سنجش کمی نماگرهای فوق می‌توان از آمار و اطلاعات نهادهای خیریه، صندوق‌های قرض الحسنه و همچنین گزارش‌های بودجه دولت استفاده نمود. استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه علمی نیز می‌توان به جمع‌آوری اطلاعات کمک نماید.

ج. بهینگی مصرف

مصرف، به عنوان هدف نهایی تولید و توزیع، نقشی مهم در تعیین نوع، میزان و شکل تولید و توزیع دارد. نوع مصرف و میزان آن در جامعه نیز به چگونگی تخصیص منابع برای تولید و نحوه توزیع بستگی دارد. امروزه بنگاه‌های تولیدی بر اساس سیاست‌های مصرفی و تبلیغات به فعالیت می‌پردازند؛ زیرا بر اساس مبانی فلسفی اقتصاد متعارف ایجاد انگیزه برای مصرف بیشتر، یکی از راه‌های مهم رونق بخشیدن به تولید و افزایش درآمد جامعه است (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱).

اسلام، بر خلاف نظام سرمایه‌داری که برای به حداکثر رسیدن سود و مطلوبیت افراد، تولید و

مصرف را کاملاً آزاد می‌داند، به منظور حفظ مصالح فرد و جامعه، برای تولید و مصرف، حدود و موازینی قرار داده است. در رویکرد اسلامی، استفاده از برخی کالاها و خدمات به دلیل مسائل ارزشی یا مفاسد و مضرآتی که به دنبال دارد، حرام و ممنوع شده است (مائده: ۹ و ۹۰).

حدّ مطلوب بهره‌گیری و استفاده از نعمت‌های الهی آن است که همراه با رعایت اعتدال و به میزان قدر کفاف باشد. اعتدال و میانه‌روی در مصرف که در روایات از آن به قصد و اقتصاد تعبیر شده، حد وسطی است که در آن افراط و تفریط (اسراف و تقتیر) نباشد. در روایات معصومین علیهم‌السلام از اعتدال در مصرف به عنوان عامل بقای نعمت و پدیدآورنده زمینه مناسب رشد صفات و کمالات معنوی در انسان تعبیر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۳۲۷؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۱۰، ح ۲۰۲۰۵). حضرت علی علیه‌السلام درباره اهمیت اعتدال می‌فرماید: «هنگامی که خداوند متعال خیر و نیکی را برای بنده‌ای مقدر فرماید، اقتصاد و میانه‌روی در زندگی را به او الهام خواهد کرد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۷۵).

نیازها و مصارف انسان را می‌توان به سه دسته ضروری، رفاهی و کاذب تقسیم کرد. دسته اول، نیازهایی هستند که حیات و سلامت انسان به تأمین آن بستگی دارد. این نیازها شامل نیاز به غذا، پوشاک، مسکن، آموزش و بهداشت می‌شود. امور رفاهی، مصارفی است که موانع و مشکلات را رفع، و زندگی انسان را با نشاط و دل‌پذیر می‌سازد. نیازهای رفاهی به همراه نیازهای ضروری را می‌توان نیازهای واقعی انسان دانست. در مقابل، نیازهای دسته سوم، هرچند باعث آراستگی و زیبایی بیشتر زندگی می‌شوند، نیازهایی غیر واقعی و تخیلی می‌باشند. افراط در تأمین این نیازها اقتصاد جامعه را در رفع نیازهای اساسی دچار مشکل ساخته، باعث فقر و محرومیت برخی از خانواده‌ها می‌شود. پرداختن به تزئینات افراطی، تعویض دکوراسیون و کنار گذاشتن لباس و وسایل منزل قبل از استفاده کامل از آن‌ها از این قبیل است.

با توجه به تفکیک فوق، تأمین نیازهای واقعی معقول لازم و مطلوب و در مقابل تلاش برای دستیابی به مصارف تجملی، همراه با رفاه‌زدگی و مصرف‌گرایی افراطی، ناپسند است. بدون اجتناب از مصارف غیر ضرور و تجملی، آرامش روحی و روانی که شرط اصلی تحقق رفاه است، پدید نمی‌آید. در نتیجه؛ هرچه نیازهای مادی انسان در حد معقول، به طور کامل تر ارضا شود، آرامش خاطر و احساس امنیت بیشتری در زندگی برای او و زمینه مناسب‌تری برای ساختن فضای سالم، مبتنی بر اصول اخلاقی و معنوی پدید می‌آید. تأمین نیازهای واقعی انسان، نه تنها با پیشرفت اخلاقی و معنوی مغایر نیست، بلکه زمینه‌ساز دستیابی به زندگی سالم همراه با معنویت خواهد بود (منذر، ۱۳۷۶، ص ۲۸).

با ملاحظه آیات قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که استفاده از نعمت‌های الهی و مصرف کالاها و

خدمات، نه تنها ناشایست نبوده، بلکه ضروری و لازمه تداوم حیات بشر است. با این وجود، خداوند متعال حدود و مقرراتی برای استفاده درست و معقول از نعمت‌ها را بیان نموده است.

یکی از راههای مهم رسیدن به مصرف بهینه و کارآمد، داشتن تدبیر مناسب در معیشت است. تدبیر در معیشت را می‌توان در زبان فارسی، معادل قدرت و توانایی بر مدیریت در امور زندگی دانست. مراد از تدبیر معیشت، ملاحظه روابط متقابل مسائل گوناگون در زندگی به منظور چاره‌اندیشی سنجیده و منطقی برای تأمین زندگی در آینده است. منابع دینی بر اهمیت تدبیر معیشت، تاکید زیادی کرده‌اند. امام علی^ع درباره تدبیر خوب در زندگی می‌فرماید: نیک‌تدبیری ثروت اندک را افزون می‌کند و سوء تدبیر ثروت فراوان را از بین می‌برد (تمیمی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۴). امام صادق^ع داشتن تدبیر مناسب برای زندگی را از ویژگی‌های یک فرد باایمان دانسته و در این باره می‌فرماید: «مومن همیار خوبی است و کم‌هزینه است و تدبیر خوبی برای زندگی دارد و از یک جا دوبار گزیده نمی‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۱۵۰).

تدبیر معیشت یکی از علائم انسان عاقل است؛ زیرا یک فرد با استفاده از مدیریت زندگی و آینده‌نگری از کارهایی پرهیز و دست به اقداماتی می‌زند تا زندگی و معیشت سالم، آرام و بهتری برای خود و حتی نسل‌های آینده فراهم ساخته و با استفاده بهینه و کارا از امکانات مادی و معنوی، مسیر رشد و پیشرفت خود را ببیند. امروزه تدبیر در زندگی و دوراندیشی لازمه هر کاری است؛ زیرا در جوامع کنونی، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی با ریسک بالا و اضطراب و نگرانی زیاد همراه است. از این رو بدون تدبیر و دوراندیشی، چه بسا معیشت انسان، مختل شده و زندگی او به شکست و نابودی بینجامد. تدبیر در معیشت فرد را قادر می‌سازد که با پیش‌بینی خطرات و فرصت‌های پیش رو، خود را برای رویارویی با آنها آماده کرده و اهداف ارزشمند بلندمدت را به همراه استراتژی‌های لازم برای دستیابی به آنها طراحی کند.

یکی از علائم وجود تدبیر معیشت در میان افراد جامعه استفاده بهینه از منابع و درآمدها است؛ براساس اسلام هرگونه اتلاف و اسراف در منابع را ممنوع و مردود می‌شمارد. آموزه‌های اقتصادی اسلام، استفاده غیر کارا از امکانات و منابع، نوعی تباه کردن آنهاست که در کلام پیشوایان معصوم علیهم السلام از آن تعبیر به «إضاعه المال» شده است. امام صادق^ع بقای اسلام و مسلمین را متوقف بر مدیریت صحیح اموال و قرار گرفتن آن را در دست کسانی دانسته‌اند که نسبت به صرف این اموال در مصارف شایسته آن آگاه باشند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۵۲۱).

روشن است که یک مسلمان از جهت فردی و اجتماعی موظف به استفاده بهینه از امکانات و منابع و تخصیص بهینه درآمدهاست تا رشد و پیشرفت او هماهنگ و در جهت رشد و تعالی جامعه اسلامی باشد. تخصیص بهینه منابع و استفاده مناسب از درآمدها در سطح خرد و کلان، نتایجی را در زمینه اصلاح

امور فردی و اجتماعی بدنبال دارد. نتایج مزبور شامل کاهش فقر، جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی، دستیابی به توزیع عادلانه درآمد، ثروت، حداقل رفاه برای تمامی افراد جامعه و یافتن فرصت کافی برای پرداختن به امور معنوی می‌شود.

نماگرهای بهینگی مصرف

جهت سنجش میزان مصرف بهینه و اعتدالی، با فرض وجود درآمد مکفی و حلال برای فرد، نماگرهای درجه دوم زیر پیشنهاد می‌گردد:

درصد قرض‌گیرندگان در دوره معین بدون دلیل موجّه (سلبی)؛

درصد اسراف و تبذیر (خوراک، پوشاک، مسکن، وسائل نقلیه و انرژی) در دوره معین (سلبی)؛

درصد افراد سخت‌گیر در هزینه‌های اساسی خانواده (با در نظر گرفتن میزان شکایات درباره

کوتاهی در دادن نفقه) (سلبی)؛

متوسط عمر مفید وسائل و امکانات عمومی در مقایسه با وسایل شخصی؛ و

متوسط استفاده از ظرفیت‌های تولیدی جامعه در بخش‌های مختلف (صنعت، کشاورزی و...)

نسبت به میزان قابل استفاده.

نتیجه‌گیری

اسلام تأمین معاش را به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف فردی و اجتماعی انسان‌ها و زمینه‌ساز رشد و پیشرفت آنها بیان کرده است. به همین خاطر، تأمین معاش به عنوان یکی از معیارهای پیشرفت انسانی محسوب می‌گردد. در این مقاله این سوال مطرح شد که چگونه می‌توان تأمین معاش، به عنوان یکی از مولفه‌های پیشرفت انسانی مورد نظر اسلام، را مورد ارزیابی و سنجش قرار داد.

بر اساس رویکرد اسلامی، تأمین معاش به معنای داشتن درآمد در حد کفاف برای پرداخت تمامی هزینه زندگی است. هزینه‌های مزبور علاوه بر هزینه‌های متعارف، شامل هزینه‌های ناظر به بهداشت و سلامت نیز می‌شود. از نگاه اسلام، تأمین معاش می‌باید همراه با عدالت، توازن و هم‌سنگی در سطوح برخورداری افراد جامعه و نبودن اختلاف فاحش طبقاتی باشد. همچنین، تأمین معاش فرد و جامعه باید همرا با مصرف بهینه بوده و نباید به اسراف و اتلاف منابع منتهی شود.

در این مقاله برای سنجش تأمین معاش با مولفه‌های سه‌گانه فوق، شاخص‌های حدکفاف، توازن و هم‌سنگی در سطح زندگی و بهینگی در مصرف پیشنهاد شد. با توجه به کلی و کیفی بودن شاخص‌های سه‌گانه مذکور، برای سنجش کمی آن‌ها نماگرهای خاصی پیشنهاد گردید.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌اله مرعشی نجفی.
- بروجردی، آقا حسین، ۱۳۸۶، جامع احادیث الشیعه، تهران، فرهنگ سبز.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، چ دوم، قم، دار کتاب اسلامی.
- حرعاملی، محمدین حسن، ۱۴۰۹ق، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البیت ❖.
- خلیلیان اشکذری، محمدجمال، ۱۳۸۴، شاخص‌های توسعه اقتصاد از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖.
- خلیلیان اشکذری، محمدجمال و همکاران، ۱۳۹۳، معیارها و شاخص‌های توسعه انسانی از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، مبانی اقتصاد اسلامی، چ چهارم، تهران، سمت.
- صباغی فیروزآبادی، محمدکاظم، ۱۳۹۱، معیارها و شاخص‌های تدوین بودجه در اسلام، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ❖.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۹۹ق، اقتصادنا، چ یازدهم، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- صدوق، محمدین علی، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰، مکارم الاخلاق، چ چهارم، قم، شریف رضی.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحکام، چ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- عمید، حسن، ۱۳۴۳، فرهنگ فارسی عمید، تهران، ابن سینا.
- فتال نیشابوری، محمدبن احمد، ۱۳۷۵، روضة الواعظین و بصیره المتعظین، قم، شریف رضی.
- فرهنگ، منوچهر، ۱۳۷۴، فرهنگ فشرده علوم اقتصادی، فارسی انگلیسی، تهران، البرز.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۷۵، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، چ سوم، قم، اسوه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار ❖، چ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محمدری شهری، محمد، ۱۳۶۲، میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- منذر، قحف، ۱۳۷۶، مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی، ترجمه عباس عرب مازار، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- نیک‌گهر، عبدالحسین، ۱۳۶۹، فرهنگ علوم اقتصادی، بازرگانی و مالی، تهران، انتشارات علمی صفار.